

بررسی و تحلیل دستاوردهای شرق‌شناسان فرانسوی در الجزایر (۱۸۳۰-۱۹۶۲م)^۱

مجید منهایجی^۲

دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

شرق‌شناسی فرانسوی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین مکاتب شرق‌شناسی است که درخشش اصلی دستاوردهای آن در عصر استعمار الجزایر (۱۹۳۰-۱۹۶۲م) مشهود است. شرق‌شناسان فرانسوی در راستای تثبیت و پیشبرد اهداف استعماری فرانسه گام‌های راهبردی در آن جا برداشتند. این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی به بررسی نهادها و زمینه‌های مطالعاتی شرق‌شناسان فرانسوی در الجزایر (۱۸۳۰-۱۹۶۲م) می‌پردازد و می‌کوشد تا به این مسأله که نهادها و زمینه‌های مطالعاتی شرق‌شناسان فرانسوی در الجزایر کدامند و اهداف و انگیزه‌های شرق‌شناسان فرانسوی از مطالعه جامعه، دین، تاریخ و... الجزایر چیست، پاسخ دهد. الجزایر یکی از مهم‌ترین تجارب شرق‌شناسی اروپایی-فرانسوی به‌شمار می‌رود. شرق‌شناسان چندسال پیش از اشغال الجزایر، مطالعات مقدماتی و آماده‌سازی نظامیان و سیاست‌مداران را آغاز کردند. از منظر آن‌ها، الجزایر مرکزی راهبردی و دروازه ورود به سه عرصه یعنی آفریقای مرکزی، منطقه مغرب عربی و شرق الجزایر بود. شرق‌شناسان و کلیسا هدف واحدی به‌ویژه در زمینه گسترش مسیحیت ایفا می‌کردند. آن‌ها در سه مرحله، موفقیت‌های بسیاری را نصیب دولت متبوع خویش ساختند؛ مرحله نخست (۱۸۳۰-۱۸۷۹م) یعنی عصر شرق‌شناسان نظامی؛ دوره دوم (۱۸۷۹-۱۹۳۰م) گسترش فعالیت‌های شرق‌شناسان فرانسوی اعم از تأسیس مدارس جدید، برگزاری کنفرانس‌های شرق‌شناسی به‌ویژه چهاردهمین کنفرانس شرق‌شناسی در الجزایر که این دوره، مهم‌ترین دوره توسعه و اجرای سیاست‌های فرهنگی استعماری فرانسه در الجزایر است. مرحله سوم (۱۹۳۰-۱۹۶۲م) که در این مرحله و به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم نقش شرق‌شناسان کم‌رنگ شد و بار دیگر نقش نظامیان پررنگ و حائز اهمیت گردید.

کلیدواژه‌ها: اسلام، الجزایر، استعمار، فرانسه، شرق‌شناسی، آمازیغ.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱/۲۶

۲. رایانامه: mmajid.menhaji@gmail.com

مقدمه

شرق‌شناسی پیوندی ناگسستنی با استعمار دارد.^۳ الجزایر مهم‌ترین مستعمره فرانسه، نیز از این قاعده مستثنی نیست. هدف غایی فرانسه، ضمیمه‌سازی الجزایر به‌عنوان بخشی از این کشور در آن سوی دریای مدیترانه است. آگوستین برنارد^۴ (۱۸۶۵-۱۹۴۷م) می‌گوید: «استقرار ما در الجزایر به جهت امنیت و یا موارد مشابه آن نیست؛ بلکه برای گسترش تمدن، زبان و اندیشه‌های فرانسوی است».^۵ این سخن، یک تر راهبردی است که اساس اقدامات شرق‌شناسان نیز به‌شمار می‌رود. بدین ترتیب، الجزایر به یک آزمایشگاهی عملی برای انجام مطالعات میدانی و رسیدن به نتایج دقیق در راستای اهداف استعمارگران تبدیل شد. دولت فرانسه به همه کارشناسان اعم از نظامی و غیر نظامی دستور داد تا همه جوانب زندگی روزمره و گذشته جامعه الجزایر را مورد مطالعه و تحقیق قرار دهند. بررسی تاریخ الجزایر از سوی شرق‌شناسان فرانسوی همراه با انگیزه‌های مختلفی بود؛ از جمله: قطع ارتباط میان مردم الجزایر با تاریخ خویش به‌ویژه عصر اسلامی و پیوند آن‌ها با عصر رومی، تحریف تاریخ عصر اسلامی و الجزایر و القای این اندیشه که عصر اسلامی دوره بدون تمدن الجزایر است.^۶ بنابراین به‌دلیل اقدامات زیرساختی و راهبردی شرق‌شناسان فرانسوی در دوران استعمار الجزایر (۱۸۳۰-۱۹۶۲م) و عدم وجود یک اثر مستقل در این موضوع به زبان فارسی پرداختن به آن ضروری می‌نماید.

در زبان فارسی در خصوص الجزایر، آثار مختلفی وجود دارد؛ اما درباره شرق‌شناسی در این کشور اثر مستقلی وجود ندارد. برخی از آثار فارسی عبارتند از: مقاله «مطالعات شرق‌شناسی در فرانسه»^۷ اثری مهم در زمینه معرفی شرق‌شناسی فرانسوی است. در این

۳. یحیوی، ۵۰.

4. Augustin Bernard

۵. عقیل، ۶.

۶. لونیسی، ۱۶۰؛ خلیفه حسن، ۱۰۰.

۷. حسن انصاری، وبگاه بررسی‌های تاریخی-راسخون.

مقاله اشاره‌ای کوتاه (نیم سطری) به مطالعات شرق‌شناسی فرانسوی در الجزایر می‌کند. مقاله «بررسی ابعاد و شخصیت علمی سیلوستر دوساسی، خاورشناس فرانسوی»^۸ این مقاله در زمینه معرفی مهم‌ترین شرق‌شناس فرانسوی یعنی دوساسی معروف به شیخ خاورشناسان فرانسوی است و به دلیل نقش پررنگ دوساسی و شاگردانش در الجزایر، مقاله‌ای درخور توجه است.

باتوجه به اهمیت موضوع و از سوی دیگر ناشناخته بودن آن در ایران، ضروری است پیشینه این اثر را در منابع عربی نیز بیان کنیم: کتاب الاستشراق الفرنسي و تعدد مهامه خاصه فی الجزائر^۹ در زمینه شرق‌شناسی فرانسوی در الجزایر اثر مهمی به‌شمار می‌رود. در این کتاب به زمینه‌های مختلف مطالعاتی شرق‌شناسی فرانسوی در الجزایر توجه ویژه شده است. کتاب المدرسه الاستشراقیه الفرنسيه (دراسة فی اسلوبها و منهجها)^{۱۰} این کتاب صرفاً به معرفی شرق‌شناسی فرانسوی اعم از ویژگی‌ها و افراد شاخص آن می‌پردازد. مقاله «الاستشراق الفرنسي و نشاط فی الجزائر الجانب الاجتماعي انموذجا»^{۱۱} این مقاله به یکی از زمینه‌های مطالعاتی شرق‌شناسی فرانسوی در الجزایر یعنی زمینه‌های اجتماعی و نقش شرق‌شناسان در استعمار فرانسه و و مدرسه فرانسوی می‌پردازد.

شرق‌شناسی فرانسوی

شرق‌شناسی فرانسوی، با تلاش‌ها و اقدامات فردی که آمیخته‌ای از خرافات و نکات دور از واقع نسبت به شرق است، همراه بود. به بیان دیگر آن‌ها تصویری تاریک از شرق داشتند.^{۱۲}

۸. اسماعیل چنگیزی اردهایی، محمدامیر احمدی طباطبایی و مجید منهاجی، تاریخ نو، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۸.

۹. الطیب بن ابراهیم، الجزائر، دار المنابع للنشر والتوزیع، ۲۰۰۴م.

۱۰. ولید کاظم الخشن، العراق، الجامعة اتحاد المؤرخین العرب، ۲۰۱۱م.

۱۱. برکان بن حی، مجله الدراسات و البحوث الاجتماعیه، جامعه الشهد لخصر، العدد ۱۷، سبتمبر ۲۰۱۷، صص ۱۲۵-۱۳۶.

۱۲. شایب الدور، ۳۴.

برخی بر این باورند که اولین شرق‌شناس فرانسوی پاپ سیلوستر دوم (جربرت دی اورالیاک) (دوره پاپی: ۹۹۹-۱۰۰۳م)^{۱۳} بود. پاپ سیلوستر دوم در جوانی به اندلس رفت و در قرطبه و اشبیلیه نزد علمای عرب، ریاضیات، نقشه‌کشی، ستاره‌شناسی و... آموخت. او سه سال در آن‌جا ماند و سپس به روم بازگشت و از آن‌جا به نزد اتوی یکم یا کبیر^{۱۴} پادشاه آلمان، ایتالیا و دوک زاکسن (امپراتور مقدس روم) رفت.^{۱۵} اما شروع رسمی شرق‌شناسی فرانسوی به تصمیم یا بیانیه شورای وین در سال ۱۳۱۲م بازمی‌گردد. این تصمیم شامل ایجاد کرسی‌های تدریس زبان‌های شرقی از جمله عربی، عبری و سریانی در دانشگاه پاریس و برخی دیگر از دانشگاه‌های اروپا است.^{۱۶} در سال ۱۵۳۹م کرسی‌های زبان‌های شرقی به‌ویژه عربی در پاریس و موسسه کلژدوفرانس تأسیس شد. مطالعات شرق‌شناسی فرانسوی در سه محور دینی، سیاسی و استعماری متمرکز بود. مهم‌ترین ویژگی شرق‌شناسی فرانسوی همان توجه ویژه به فرهنگ و تمدن شرق جهان عرب به‌ویژه سه منطقه مصر، ایران و شبه جزیره عربستان است.^{۱۷} بارزترین و مهم‌ترین عرصه ظهور و بروز ویژگی‌های شرق‌شناسی-فرانسوی را می‌توان در الجزایر مشاهده کرد.^{۱۸}

شرق‌شناسی فرانسوی در الجزایر

ارتباط و رویارویی مسلمانان با فرانسه (سرزمین گل) از قرن ۲هـ (نیمه اول قرن ۸م) هم‌زمان با نفوذ و درگیری‌های نظامی مسلمانان در اندلس آغاز شد. عرصه رویارویی مسلمانان و اروپاییان در مرزهای فرانسه، همان جنگ پواتیه (بلاط الشهداء) (رمضان سال ۱۱۴هـ

13. Sylvester II

14. Ottol

۱۵. علوان، ۴.

۱۶. خشن، ۳۴؛ عبادی، ۸۷.

۱۷. ابن یحی، ۱۲۸-۱۲۹؛ سنو، ۲.

۱۸. سعدالله، اباحت و آراء فی تاریخ الجزائر، ۱۴/۱.

۷۳۲/م) است؛^{۱۹} اما شکست مسلمانان در این جنگ، ادامه عرصه جهان‌گشایی آن‌ها را ناکام گذاشت. سرانجام پس از سال‌ها، حکومت عباسی به‌ویژه هارون الرشید ترجیح داد با شارلمانی پادشاه فرانسه، روابط دیپلماتیک و فرهنگی برقرار کنند. برخی آغاز شرق‌شناسی فرانسوی را از همین دوره (قرن ۸م / ۵۲هـ) می‌پندارند.^{۲۰}

پیوسته مطرح می‌شود که حضور استعمار فرانسه در قرن ۱۹م در شمال آفریقا به‌ویژه در الجزایر موجب توجه روزافزون شرق‌شناسان به اسلام‌پژوهی و مطالعات مربوط به قرآن، فرق اسلامی و... است. اما باید گفت که شرق‌شناسان برنامه‌های راهبردی استعمارگران فرانسوی را طراحی می‌کردند و این امر درباره الجزایر کاملاً صدق می‌کند. تاریخ شرق-شناسان در الجزایر را نمی‌توان به دوره پس از استعمار فرانسه محدود کرد؛ بلکه پیش از آن، اقداماتی توسط آلمان‌ها، انگلیسی‌ها، پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها صورت گرفت و شرق-شناسان فرانسوی سه سال پیش از هجوم و اشغال الجزایر (یعنی ۱۸۲۷م)، از طریق آثار شرق‌شناسان اروپایی بر این کشور تمرکز کردند و در مدرسه زبان‌های شرقی به ترجمه و مطالعه آن‌ها پرداختند.^{۲۱} در آن زمان مدرسه زبان‌های شرقی با مدیریت سیلوستر دوساسی نقش مهمی ایفا می‌کرد.^{۲۲}

از منظر شرق‌شناسان فرانسوی، الجزایر به‌دلیل داشتن دو مؤلفه مشترک با جهان اسلام یعنی دین و زبان، یک عرصه مطالعاتی برای شناخت همه یا بخش بزرگی از جهان اسلام بود.^{۲۳} بدین ترتیب، تعدادی از پژوهشگران، نویسندگان، هنرمندان علاقمند به زندگی شرقی و تاریخ رومیان، با کارزار فرانسوی‌ها همراه شدند. پس از موفقیت این کارزار، اقدامات

۱۹. علوان، ۲۴؛ درویش، ۱۱.

۲۰. علوان، ۲۴.

۲۱. جغولی یوسف، ۵۲۵-۵۲۶.

۲۲. سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافي، ۹/۶.

۲۳. شایب الدور، ۳۶.

آن‌ها مورد توجه سیاست‌مداران قرار گرفت. در این میان، مترجمان به‌ویژه مترجمین یهودی الجزایری تبار نقش مهمی بازی کردند.^{۲۴} بنابراین، حکومت فرانسه، بیش و پیش از تکیه بر بعد نظامی خویش، به شرق‌شناسان تکیه کرد و طرح‌های نظامی را براساس دیدگاه‌های آن‌ها پیاده‌سازی نمود؛ به گونه‌ای که چگونگی چیرگی و کنترل اوضاع الجزایر و پیشبرد اهداف خویش، به پیشنهادات و برنامه‌های شرق‌شناسان بستگی داشت.^{۲۵} بر این اساس چارلز لایوگری (۱۸۲۵-۱۸۹۲م)^{۲۶} از فرماندهان مرحله نخست اشغالگری می‌گوید: «باید سرزمین الجزایر را مهد امت مسیحی فرانسه کرد و از سوی دیگر باید برادری واقعی براساس انجیل برای ایجاد یک تمدن بزرگ در آن بگسترانیم و این اندیشه را در صحرا و آفریقای شمالی و در میان بربرها توسعه دهیم. همچنین بکوشیم براساس این نگرش، آفریقای شمالی را به آفریقای مرکزی و جنوبی پیوند دهیم».^{۲۷}

برخی از پیشگامان شرق‌شناسی فرانسوی، که نقش برجسته در مطالعه و نشر میراث جهان اسلام به‌ویژه الجزایر داشتند؛ عبارتند از: سیلوستر دوساسی (۱۸۳۷-۱۷۵۸م)^{۲۸} معروف به شیخ شرق‌شناسان فرانسوی، گوستاو لوبون (۱۸۴۱-۱۹۳۱م)،^{۲۹} لویی ماسینیون (۱۸۸۳-۱۹۶۲م)،^{۳۰} ژاک آگوست شاربونو (۱۸۸۲-۱۸۱۳م)،^{۳۱} رنه (رینی) باست (۱۸۵۵-۱۹۲۴م)،^{۳۲} جورج مارسیه (۱۹۶۲-۱۸۷۶م)،^{۳۳} اکتاف هوداس (۱۸۴۰-

۲۴. سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافي، ۱۰/۶.

۲۵. همو، ۱۱/۶.

26. Chares Lavigerie

۲۷. غروی، ۸۸.

28. silvestre desacy

29. custavelobon

30. Louis Massignon

31. Jacques Auguste Cherbonneau

32. René Basset

33. Georges Marçais

۱۹۱۴م)،^{۳۴} رژی بلاشر (۱۹۰۰-۱۹۷۳م)،^{۳۵} روزه آرنالدز (۱۹۱۱-۲۰۰۶م)،^{۳۶} لوی پرونسال (۱۸۹۴-۱۹۵۶م)،^{۳۷} لوئیس ژاک برنییه (۱۸۱۴-۱۸۶۹م).^{۳۸} بنابراین، برای درک بهتر سیر شرق‌شناسی فرانسوی در الجزایر ضروری است که ادوار تاریخی آن مورد توجه قرار گیرد.

ادوار شرق‌شناسی فرانسوی در الجزایر

ادوار شرق‌شناسی فرانسوی را با توجه به رخداد‌های سیاسی-فرهنگی می‌توان به سه دوره تقسیم کرد؛ نخست از ابتدا تا زمان تأسیس مدرسه عالی و از آن زمان تا برنامه جشن‌های صدمین سالگرد اشغال و سپس تا استقلال الجزایر. به بیان دیگر، ورود استعمار فرانسه، تأسیس مدرسه عالی و جشن‌های صدمین سالگرد ملاک این تقسیم‌بندی است. با توجه به این سه مقطع و اقدام، رویکرد شرق‌شناسان در الجزایر تغییر راهبردی یافت.

دوره اول (۱۸۳۰-۱۸۷۹م از ابتدای اشغال تا تأسیس مدرسه عالی): این دوره، عصر شناخت جامعه الجزایر از طریق بررسی گویش‌ها، آداب، رسوم و تاریخ آن است. مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارتند از: به‌راه افتادن یک پویش گسترده ترجمه توسط نیروی نظامی و کارمندان دولتی و تمرکز بر مسائل نظامی، فقدان شرق‌شناسان متخصص،^{۳۹} تلاش فراگیر برای جایگزین‌سازی زبان فرانسه به جای زبان عربی در ادارات، تأسیس انجمن‌های علمی و تخصصی در حوزه مسائل نظامی و توجه ویژه به مرکز زبان‌های شرقی.

در این مرحله سه اقدام اساسی صورت گرفت:

نخست، برگزاری حلقه‌های زبان عربی: از دسامبر ۱۸۳۲م عمدتاً نظامیان، شش

34. O.hodas

35. Régis Blachère

36. Roger Arnaldez

37. levi provecale

38. Louis-Jacques Bresnier

۳۹. یحیای، ۵۰؛ معریش، ۲۸.

حلقه مبتنی بر آموزش و یادگیری زبان عربی فصیح و عامیانه تشکیل دادند. اما سرانجام در سال ۱۸۷۹م در مدرسه عالی ادبیات (دانشگاه الجزایر بعدی) و مدارس علوم دینی سه‌گانه (مازونیه، شلاظه یا الهامل ابن ابی داود) ادغام شدند.^{۴۰} این حلقه‌ها عبارتند از: حلقه اول (در پایتخت توسط برینیه و هوداس)، حلقه دوم (در قسنطینه بامدیریت شاربونو)، حلقه سوم (در وهران بامدیریت هوداس)، حلقه چهارم (مرکزی برای سراسر الجزایر، و تمرکز بر آموزش زبان عربی)، حلقه پنجم (۱۸۵۷م یک کالج ویژه در پایتخت) و حلقه ششم (دانشسرای عالی ادبیات الجزایر در سال ۱۸۸۱م تأسیس و سپس در سال ۱۹۰۹م به دانشگاه الجزایر تبدیل شد. هدف اولیه این دانشسرا، توجه به زبان عربی، باستان‌شناسی عصر اسلامی و تاریخ بود؛ سپس مرکز زبان‌های شرقی بدان افزوده شد).

دوم، انجمن‌های شرق‌شناسی: این انجمن‌ها نقش راهبردی در مطالعات شرق-شناسی داشتند.^{۴۱} مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. **انجمن آسیایی:** این انجمن در سال ۱۸۲۲م. به سرپرستی سیلوستر دوساسی تأسیس شد. تعداد زیادی از شرق‌شناسان فرانسوی که بعدها در الجزایر مستقر شدند و یا پیرامون الجزایر تحقیق و تألیف کردند؛ از جمله بنجامین فاینان شاربونو،^{۴۲} از مرتبطین و پژوهشگران همین انجمن بودند.^{۴۳} این انجمن توجه ویژه‌ای به سنت‌های جهان عرب و الجزایر داشت و آثار زیادی را ترجمه، تألیف و منتشر کرد. از مهم‌ترین بخش‌های انجمن آسیایی، مجله‌ای باعنوان مجله آسیایی بود. این مجله به دلیل بررسی تاریخ، جغرافیا، فرهنگ، تمدن و هنر عرب به بزرگ‌ترین و معتبرترین منبع شرق‌شناسی در غرب تبدیل شد.^{۴۴}

۴۰. یحیای، ۵۱.

۴۱. همو، ۵۱-۵۲.

42. Benjamin Faynan Charbon

۴۳. عقیقی، ۱۵۸/۳.

۴۴. همو، ۱۵۸/۳-۱۵۹.

۲. **انجمن شرقی:** این انجمن در سال ۱۸۴۱م با هدف هماهنگی میان شرق‌شناسان، اهداف و قوانین راهبردی شامل ساختار رایزنی‌های فرهنگی، سفرهای اکتشافی و تحقیقاتی با تأکید بر الجزایر طراحی کرد.^{۴۵}
 ۳. **انجمن جغرافیا:** این انجمن در سال ۱۸۲۱م با تمرکز بر مغرب پژوهی در پاریس تأسیس شد.^{۴۶} انجمن جغرافیا پیش از انجام هر عملیات نظامی به‌ویژه در مناطق قبایلی، اطلاعات لازم را گردآوری و به آن‌ها می‌داد.
 ۴. **انجمن باستان‌شناسی قسنطینه (۱۸۵۲م):** از مهم‌ترین بنیانگذاران آن می‌توان به شاربونو اشاره کرد.^{۴۷} هدف آن‌ها بررسی آثار برجای مانده از عصر قرطاجنه، نومیدیا، روم و عصر اسلامی در اقلیم قسنطینه بود. در همان ابتدای تأسیس این انجمن، مجله‌ای با عنوان مجموع و مواجیز و ابحاث الجمعیه الاثریه لعماله قسنطنیه راه‌اندازی کردند.^{۴۸}
 ۵. **انجمن تاریخ الجزایر (۱۸۵۶م):** بانیان این انجمن مجله‌ای با عنوان المجله الافریقیه برای نشر نسخه‌های خطی محلی و عربی و اسناد اصلی منتشر کردند.^{۴۹}
 ۶. **انجمن تحقیقات علمی (۱۸۳۶م-عنابه):** معروف به آکادمی هیبون جهت توجه ویژه به عصر باستان و مباحث دینی.
- سوم، کمیته‌های علمی: کار این کمیته‌ها در الجزایر از آغاز تا پایان استعمار فرانسه و در عرصه‌های مختلف علمی ادامه داشت. مهم‌ترین کمیته‌ها عبارت‌اند از:
۱. **کمیته تحقیقاتی علمی الجزایر (۱۸۳۷م):** که با هدف تألیف و تحقیق در خصوص الجزایر در دو عرصه تخصصی یعنی نماهای طبیعی و باستان‌شناسی تأسیس

۴۵. سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافي، ۹۰/۲.

۴۶. یحیوی، ۵۴.

۴۷. همو، ۵۴.

۴۸. معریش، ۲۹.

۴۹. یحیوی، ۵۵-۵۶.

شد.^{۵۰}

۲. کمیته یکصدمین سالگرد اشغالگری: این کمیته با مدیریت تعدادی از استادان دانشگاه الجزایر زیر نظر پیر چارلز^{۵۱} (یسوعی) (۱۸۸۳-۱۹۵۴م) شکل گرفت. از جمله اقدامات آن‌ها عبارتند از: اجرای برنامه‌هایی در رادیو الجزایر، برپایی یادبودها و ساخت سالن هنرهای زیبا (سالن ابن خلدون)، راه‌اندازی مدارس و کارگاه‌های هنرهای سنتی. آثار چاپی این کمیته عبارتند از: اللباس الجزائری از ژرژ مارسه، تطور الاستعمار خلال قرن ۱۹ از ایمیل فلیکس گوتیه،^{۵۲} تطور الجزائر از اسپیس، الشرق و الرسم الفرنسی خلال القرن ۱۹ از الیزار.^{۵۳}

دوره دوم (۱۸۷۹-۱۹۳۰م): این دوره فعالیت‌های شرق‌شناسان فرانسوی گسترش یافت. از جمله اقدامات آن‌ها عبارتند از:

۱. مدرسه ادبیات (۱۸۷۹م): این مدرسه را می‌توان نماد تمام عیار شرق‌شناسی فرانسوی خواند. در ابتدا هوداس ریاست آن را با کمک بلقاسم بن سدیره (۱۸۴۲-۱۹۰۱م) برعهده داشت.^{۵۴} از معلمان این مدرسه می‌توان رنه باست و ادموند فانیان (۱۹۳۱-۱۸۴۶م)^{۵۵} نام برد. سرانجام در سال ۱۹۰۹م این مدرسه به دانشکده ادبیات و علوم انسانی تابعه دانشگاه الجزایر تغییر کرد و باست تا پایان عمرش مدیریت آن‌جا را برعهده داشت.^{۵۶} باست، ابن‌سدیده و بولیفه، کرسی زبان بربری را راه‌اندازی کردند و گویش‌های منطقه قبایلی بنی‌میزاب و تاریخ زاویه‌ها و اولیای آن‌ها (به‌ویژه نیمه نخست قرن بیستم)

۵۰. همو، ۵۶.

51. pierrecharles jesuit

52. Émile-Félix Gautier

۵۳. یحیوی، ۵۶-۵۷.

۵۴. سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافی، ۵۲/۸.

55. Edmond Fagnan

۵۶. یحیوی، ۵۷-۵۸.

مورد توجه قرار گرفت.

۲. برگزاری چهاردهمین کنفرانس شرق‌شناسی: از اواخر قرن ۱۹م شرق‌شناسان هر دو، سه یا چهار سال یک بار کنفرانس‌های بین‌المللی برگزار می‌کردند.^{۵۷} الجزایر نخستین کشور عربی بود که در سال ۱۹۰۵م میزبان کنفرانس شرق‌شناسی بود. این کنفرانس به میزبانی دانشکده ادبیات الجزایر و زیر نظر رنه باست و با حضور ۵۰۰ شرکت‌کننده برگزار شد.^{۵۸}

۳. راه‌اندازی کرسی زبان بربری در مدرسه زبان‌های شرقی (۱۹۱۳م)^{۵۹}

۴. مجله *العالم الاسلامی*: در سال ۱۹۰۶م با هدف چاپ تحقیقات درباره مغرب عربی راه‌اندازی شد. سرانجام این مجله بامدیریت آلفرد چاتلیه به‌عنوان مجله الدراسات الاسلامیه تغییر نام یافت.^{۶۰}

دوره سوم (۱۹۳۰-۱۹۶۲م): در این دوره دو اقدام راهبردی از سوی شرق‌شناسان صورت گرفت: نخست، ایجاد مراکز تخصصی: از جمله «معهد البحوث الصحراویه»؛ دوم، تغییر کاربری و رویه اجرایی مدارس سه‌گانه دینی در قسنطنینه، تلمسان و الجزائر (مازونیه، شلاظه یا الهامل ابن‌ابی داود) به دبیرستان.^{۶۱}

نهادها و مؤسسات شرق‌شناسی فرانسوی در الجزایر

شرق‌شناسی فرانسوی پس از جنگ جهانی دوم دچار تغییر و تحولات بسیاری گردید و نقش‌آفرینی آن‌ها در الجزایر کاهش چشم‌گیری یافت. استعمار فرانسه از ابتدا به‌دنبال

۵۷. العقبی، ۳/۳۶۷.

۵۸. یحیوی، ۵۶.

۵۹. همو، ۴۵.

۶۰. زقروق، ۴۵.

۶۱. یحیوی، ۶۲.

حضور طولانی مدت و فرانسوی‌سازی الجزایر بود. این اندیشه با طرح‌ها، تألیف‌ها، ترجمه‌ها و... شرق‌شناسان تا حد زیادی تحقق یافت.

۱. راه‌اندازی مدارس و کرسی‌های زبان‌های شرقی: دایره تعاملات فرانسویان با فرهنگ و تمدن اسلامی بیش از دیگر اروپائیان بود.^{۶۲} آن‌ها محصلان و روحانیون خویش را به مدارس و مراکز جهان اسلام روانه کردند. با بازگشت این محصلان و اقبال فزاینده به مطالعه فرهنگ شرق، مدارس و مراکز عربی و زبان‌های شرقی تأسیس شد. همچنین به منظور تسهیل در آموزش زبان‌های شرقی و انتقال علوم و معارف آن‌ها به فرانسه، شاخه‌ها و رشته‌های متعددی در آن مراکز راه‌اندازی کردند. به گونه‌ای که به تدریج یک محصل، بی‌نیاز از سفر به شرق و جهان اسلام می‌شد. سپس در اواخر قرن ۱۲م سلسله مدرسی ایجاد شد؛ از جمله مدرسه ریمس به دستور پاپ سیلوستر دوم^{۶۳} و مدرسه طب در مون پلیه (۱۲۲۰م). همچنین در دانشگاه پاریس، کرسی زبان‌های شرقی راه‌اندازی گردید؛ سپس کرسی‌های مطالعات اسلامی و بخش عربی بدان افزوده شد. از سوی دیگر در سال ۱۵۱۹م مرکز زبان و ادبیات عرب و تمدن اسلامی، دو کرسی زبان عربی و عبری در رنس به دستور فرانسوای اول^{۶۴} ایجاد شد.^{۶۵}

۲. انجمن‌های شرق‌شناسی: نخستین انجمن شرق‌شناسی در فرانسه انجمن آسیایی (۱۸۲۲م) است. ویژگی‌های این انجمن‌ها عبارتند از: افزایش بی‌شمار در بازه زمانی کوتاه، وابستگی به دولت، ارائه خدمات به استعمار و در ابتدا تحت تأثیر و اشراف نظامیان بودند.^{۶۶}

۳. راه‌اندازی و انتشار مجلات و نشریات: از جمله این مجلات: مجله آسیاپژوهی

۶۲. ابن ابراهیم، ۱۳۳.

63. Sylvester II
64. Francis I of France

۶۵. ابن ابراهیم، ۱۳۳؛ جیلالی، ۱۵۴.

۶۶. سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافی، ۹۰/۲.

قدیمی‌ترین مجله- ۱۸۲۲م)، مجله آفریقاپژوهی (۱۸۵۶م)، مجله تاریخ‌پژوهی (۱۸۸۰م)، مجله تاریخ ادیان (۱۸۸۰م)، فصلنامه التونسیه (۱۸۹۴م، از سوی مرکز قرطاجنه منتشر می‌شد)، مجله مطالعات اسلامی (۱۹۲۷م در پاریس و بامدیریت لویی ماسینیون منتشر می‌شد)، مجله جغرافیانگاری (۱۸۹۱م)، مجله شرق مسیحی (۱۹۰۵م)، آرشیو تاریخ و تمدن بربرها (۱۹۲۰م)، مجله مرکز ادبیات عرب تونس (۱۹۳۷م).^{۶۷}

زمینه‌های مطالعاتی شرق‌شناسی فرانسوی در الجزایر

در این بخش چهار زمینه مطالعاتی فرهنگی، اجتماعی، آموزشی، نظامی و دینی شرق-شناسی فرانسوی در الجزایر بررسی خواهد شد.

۱. حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی

مهم‌ترین حوزه مطالعاتی شرق‌شناسی فرانسوی در الجزایر، حوزه فرهنگی و اجتماعی است. در این بخش به چهار اقدام آن‌ها یعنی مبارزه با زبان عربی و توجه به زبان آمازیغی (دوره اول: ۱۸۳۰-۱۸۷۹م)، توجه به آثار تاریخی، نسب‌شناسی، سفرنامه‌ها و... و هدف قرار دادن زنان و بنیان خانواده الجزایری (دوره دوم: ۱۸۷۹-۱۹۳۰م) و توطئه بربریت (دوره سوم: ۱۹۳۰-۱۹۶۲م) اشاره خواهد شد.

مبارزه با زبان عربی و توجه به زبان آمازیغی: فرهنگ عربی اسلامی از زمان فتح اسلامی الجزایر، جایگزین زبان‌های پیشین آمازیغی و رومی شد.^{۶۸} با ورود استعمار به الجزایر، مبارزه با زبان عربی تبدیل به یک راهبرد گردید.^{۶۹} آن‌ها در دوره نخست (۱۸۳۰-۱۸۷۹م) صرفاً اقدامات مقدماتی در این زمینه انجام دادند. استعمار فرانسه به‌طور خاص

۶۷. ابن ابراهیم، ۱۳۵؛ عقيله، ۳۹.

۶۸. قتیبه، ۱۸.

۶۹. ابن ساعو، ۳۰۳.

بیانیه رسمی یا تصمیمی درباره ممنوعیت آموزش عربی صادر نکرد؛ اما اقدامات آن‌ها به مرگ تدریجی زبان عربی منجر شد. فرآیند فراگیرسازی زبان فرانسوی و حذف تدریجی زبان عربی در الجزایر از اواخر قرن ۱۹م زیر نظر شرق‌شناسان فرانسوی همچون لوئیس برینیه و غیره صورت گرفت.^{۷۰} اما در دوره دوم (۱۸۷۹-۱۹۳۰م) اقدامات عملی با هدف مبارزه با زبان عربی انجام دادند؛ از جمله می‌توان به تعطیلی و ممنوعیت تدریس درس عمومی زبان عربی در دانشکده‌های پزشکی، داروسازی و مهندسی اشاره کرد.^{۷۱} از دیگر اقدامات آن‌ها برای مبارزه با زبان عربی ترویج زبان فرانسوی در میان طبقات متوسط، ساده‌سازی قواعد دستوری زبان فرانسوی، تشویق و بسترسازی برای همه‌گیر کردن گویش‌های عامیانه به‌ویژه آمازیگی و نگارش زبان عربی و حتی آمازیگی با رسم الخط لاتینی بود.^{۷۲}

از نظر شرق‌شناسان فرانسوی، زبان عربی - اعم از کلاسیک و محاوره‌ای - یک زبان کاربردی برای شناخت اندیشه و تاریخ الجزایری‌ها و ابزار ارتباطی با عموم مردم است؛ بنابراین، تحقیقات و تألیفات مفصلی در زمینه آموزش عربی و حتی بربری، تألیف و منتشر کردند؛ از جمله آن‌ها: فرهنگ لغت فرانسه - از بنجامین ونسینت^{۷۳} - انتشارات وزارت جنگ، فرهنگ لغت فرانسه-عربی از آبراهام دانیوس^{۷۴}، فرهنگ لغت واژگان عربی - فرانسوی از ژان ژوزف مارسل^{۷۵} (در پاریس در سال ۱۸۳۷م نوشته شد)؛ نخستین کتاب در زمینه قواعد نحوی عربی از جونی فرعون در سال ۱۸۳۲م با عنوان النحو الابتدائی للعربیة الدارجه الموجهه للفرنسیین است؛ تألیف کتاب موجز النحو العربی البسیط در زمینه مطالعات و آموزش زبان عربی و محلی توسط گروهی از شرق‌شناسان؛ رنه باست اثری با

۷۰. سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافي، ۲۰/۸.

۷۱. غزالی، ۱۲۲.

۷۲. ابن یحی، ۱۱۳.

73. Benjamint vnsent

74. Abraham Daninos

75. J.J. Marcel

عنوان موجز اللغة العربيه الدارجه في مدينة الجزائر، و في الاياله الجزائريه سنه ۱۸۳۱ تأليف کرد که ویژگی‌های گویش‌های الجزایری را بیان می‌کند.^{۷۶} کتاب دوم رنه باست با عنوان الدورس العلمیه و النظریه للغه العربیه در زمینه تاریخ لغت‌شناسی در الجزایر؛ کتاب نحو العربیه الدارجه درباره گویش‌های مختلف از پیرکوسین دی پرسوال^{۷۷} (۱۸۷۱-۱۷۹۵م) که از مهم‌ترین آثار در زمینه فرهنگ لغت است؛ کتاب ملاحظات علی کراسی اللغة العربیه فی الجزائر، قسنطینه، وهران از ا. کور^{۷۸} در زمینه آموزش و یادگیری زبان عربی در الجزایر (در سال ۱۸۳۱م نوشته شد)؛ همچنین تحقیقات دامنه‌داری در زمینه فرهنگ لغت و آموزش زبان عربی زیر نظر برانسی^{۷۹} صورت گرفت؛^{۸۰} آثار و اقدامات بی‌شمار لوی ژان بریزنی^{۸۱} (۱۸۶۹-۱۸۱۴م) از مهم‌ترین شاگردان دوساسی و متخصص زبان عربی کلاسیک و آموزش آن نیز حائز اهمیت است؛ شارینو مجموعه‌ای گسترده در زمینه زبان‌شناسی و آموزش زبان عربی نگاشت؛ از جمله: قاموس فرنی-عربی و عربی-فرنی؛^{۸۲} به منظور تسهیل آموزش زبان عربی به فرانسوی‌ها، آثار و تحقیقات بسیاری به صورت گروهی توسط شرق‌شناسان نوشته شد؛ از جمله: عناصر الجملة و ترجمتها الی الدارجه (مجموعه‌ای از قواعد و تمرین)؛

شرق‌شناسان فرانسوی توجه ویژه‌ای به زبان عربی کلاسیک داشتند؛ اما به تدریج دریافتند که باید به زبان آمازیغی و عربی محاوره‌ای و روزمره نیز توجه کرد. در این بین، سه نکته مهم مورد توجه آن‌ها قرار گرفت:

نخست: زبان آمازیغی و گویش‌های محاوره‌ای زبان عربی یک اهرم اساسی برای

۷۶. سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافی، ۴۲/۶.

77. Coussin De Perceval

78. A.Cour

79. Brancier

۸۰. عقيله، ۵۷.

81. L.j.Bresnier

۸۲. معریش، ۲۴۱.

مقابله با عربی فصیح و کلاسیک است؛

دوم: ترویج زبان آمازیغی و گویش‌های محلی عربی، راهی برای گسترش اندیشه‌های استعماری از جمله اندیشه الجزایر منهای عصر اسلامی و بازگشت به گذشته عصر رومی است؛

سوم: گویش‌های محلی یک رویکرد راهبردی برای نفوذ در مناطق روستایی و صحرایی است.^{۸۳}

بدین ترتیب، آموزش و یادگیری گویش‌های محلی و آمازیغی در دستور کار شرق-شناسان قرار گرفت. آن‌ها همگام با ترویج این گویش‌ها، به تخریب و ممانعت از زبان عربی همت گماشتند.^{۸۴} بنابراین هر کدام از شرق‌شناسان به تدریس گویش منطقه یا مناطقی گماشته شدند و به مطالعه میدانی و تحقیقات دامنه‌دار پرداختند. این طرح با عنوان کمک به تحصیل شاگردان محروم و دورافتاده الجزایری صورت می‌گرفت.^{۸۵} به تدریج آثار متعددی در زمینه زبان آمازیغی و دیگر گویش‌های الجزایری منتشر شد؛ از جمله: کتاب قاموس اللغه الاب یک فرهنگ لغت قبایلی - فرانسوی (جلد اول آن در سال ۱۸۴۴م چاپ شد. یک فرهنگ لغت شامل واژگان بربری همراه با جمله).

در این میان، دو کار عمده در دستور کار شرق‌شناسان حوزه گویش‌های محلی و آمازیغی قرار گرفت:

نخست: انتشار مجموعه کتاب‌های آموزشی و یادگیری زبان محلی عربی و فرانسوی براساس حروف لاتین و از چپ به راست؛

دوم: انتشار فرهنگ لغت‌های مختلف در زمینه‌های زبان محلی عربی.

بدین ترتیب، افراد متخصص و دانشگاهی در زمینه زبان آمازیغی و گویش‌های محلی

۸۳. سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافی، ۱۹/۸.

۸۴. لونیس، ۹۷.

۸۵. سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافی، ۱۴/۲.

ظهور کردند؛ از جمله: امیل ماسکری (۱۸۴۳-۱۸۹۴م)^{۸۶} متخصص قبایل بربری و گویش‌های محلی و آمازیغی و باست که سال‌ها مدیر مدرسه عالی ادبیات بود. وی از سال ۱۸۹۶م به‌طور ویژه به گویش‌های محلی زبان عربی توجه کرد و به تدریس، تحقیق و تألیف در این زمینه پرداخت.

توجه به آثار تاریخی، نسب‌شناسی، سفرنامه‌ها و... الجزایری: شرق‌شناسان فرانسوی به ترجمه و تحقیق آثار نویسندگان، ادیبان، شعرا و علمای الجزایری توجه ویژه‌ای داشتند. این آثار در دو قالب عام و خاص بود؛ عام بدان معنا که آثار عمومی درباره شهر یا منطقه و یا دوره‌ای خاص است و خاص به معنای اثری از نویسنده خاص با موضوع خاص است؛ همچون کتاب نفع الطیب من غصن الأندلس الرطیب از ابن خطیب مقری تلمسانی.^{۸۷} همچنین می‌توان به برخی آثار دیگر در این زمینه اشاره کرد: تحقیق و ترجمه کتاب عقد الجمان النفیس فی ذکر الأعیان من أشرف غریس از ابی زید عبدالرحمن التوجینی با موضوع نسب‌شناسی بزرگان غریس در قرن ۱۱هـ)،^{۸۸} ترجمه و تحقیق کتاب البستان فی ذکر الاولیاء و العلماء بتلمسان از ابن مریم المدیونی التلمسانی که به نسب‌شناسی علما و فقهای تلمسان^{۸۹} پرداخته و ترجمه و تحقیق کتاب عنوان الدراية فیمن عرف من العلماء فی المائة السابعة ببجایة از ابی اللعباس احمد الغبرینی که از مهم‌ترین منابع تاریخی در خصوص حیات علمی در قرن ۷هـ در بجایه (مغرب الاوسط) است. دیگر کتاب‌های تخصصی مورد توجه شرق‌شناسان فرانسوی عبارتند از: زندگی محمد سنوسی تحقیق و تألیف شاربونو، زندگی احمد بن یوسف المرینی الراشدی، تحقیق و تألیف رنه باست و زندگی محمد التنسی.^{۹۰}

86. Emile Masgueray

۸۷. سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافي، ۳۵۰/۲.

۸۸. عقيله، ۷۴.

۸۹. همو، ۷۳.

۹۰. همو، ۷۴-۷۶.

سفرنامه‌ها نیز مورد توجه شرق‌شناسان فرانسوی قرار گرفت؛ از جمله: ترجمه، تحقیق و انتشار کتاب رحله الحاج ابن‌الدین الاغواطی الی الصحراء از دانیزاک،^{۹۱} ترجمه، تحقیق و انتشار کتاب رحله العیاشی از پیر بروژی،^{۹۲} ترجمه، تحقیق و انتشار کتاب فتح الاله و مفتی فی التحدث بفضل ربی و نعمته از فور بیقی و ترجمه، تحقیق و انتشار کتاب انس الفقیر و عز الحقیق (ابن قنفذ القسنطینی) از ادولف فور (سفرنامه‌ای مهم با موضوع حیات صوفیه در مغرب قرن ۸هـ).^{۹۳}

هدف قراردادن زنان و بنیان خانواده الجزایری: شرق‌شناسان در دوره دوم (۱۸۷۹-۱۹۳۰م) به بررسی خانواده، روابط خانوادگی، روابط مردان و زنان الجزایری پرداختند. آن‌ها از طریق بیان ظلم‌ها، تحقیرهای صورت گرفته درباره زن، آزادی زنان و جایگاه والای آن‌ها در فرهنگ و تمدن غربی به‌ویژه در فرانسه به تحریف جایگاه زن در اسلام پرداختند.^{۹۴} از دیگر اقدامات راهبردی شرق‌شناسان می‌توان به برنامه‌ریزی دقیق در دو عرصه حجاب و تعلیم و ترتیب دختران نوجوان الجزایری اشاره کرد. در همین راستا، آن‌ها مجموعه‌ای از مریبان زن اروپایی را که پیش‌تر دوره‌های تخصصی گذرانده بودند، به الجزایر دعوت کردند. پیش‌تر نیز شرق‌شناسان به‌صورت میدانی با زنان الجزایری ارتباط برقرار کرده و از خصوصیات، دردها و دیگر مسائل حوزه زنان پی برده بودند.^{۹۵} در این‌باره ژنرال توماس بوژو^{۹۶} (فرماندار کل الجزایر بین سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۷م) می‌گوید: «بهترین راهکار فراروی فرانسه برای به زانو درآوردن شورشیان، توجه به باورها و ارزش‌های دینی-اجتماعی آن‌هاست و اولین ارزش آن‌ها، زنان است. حضور مؤثر در حوزه زنان، یک راهبرد اساسی

91. danizak

92. Per Projekt

۹۳. عقیله، ۷۹-۸۰.

۹۴. ابن یحیی، ۱۳۰.

۹۵. سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافی، ۳۳۷/۶.

96. Tomas Bugeaud

برای نفوذ اثرگذار در جامعه الجزایر و برنامه‌ریزی برای خانواده‌های مسلمان آن‌جا است».^{۹۷} از سوی دیگر می‌توان به محصلان و تربیت‌شدگان الجزایری در فرانسه اشاره کرد که به وطن بازگشتند و به پیاده‌سازی اندیشه‌های غربی پرداختند؛ از جمله قاسم امین (۱۸۶۳-۱۹۰۳م) که براساس خط‌مشی غربی_فرانسوی، آثار و اقداماتی در زمینه آزادی و حقوق زن انجام داد.^{۹۸}

توطئه بربریت (تفرقه‌افکنی میان عرب و آمازیگی) (۱۹۴۸-۱۹۴۷م): در دوره سوم (۱۹۳۰-۱۹۶۲م) نقش شرق‌شناسان کم‌رنگ شد و نظامیان به‌جای شرق‌شناسان به طراحی و برنامه‌ریزی در عرصه‌های فرهنگی-اجتماعی پرداختند. از نمونه‌های روشن برنامه‌ریزی نظامیان، توطئه بربریت است. توطئه بربریت، یک حرکت به‌ظاهر دموکراتیک است که به مدت یک‌سال و نیم در الجزایر اجرا شد. ایده اولیه و خط‌مشی این حرکت توسط شرق‌شناسان نظامی مطرح شد. از منظر آن‌ها زمان مناسب آن برای اجرای این برنامه، در این دوره یعنی پس از جنگ جهانی دوم است.^{۹۹} به‌دنبال این ایده‌پردازی، مطالعات مفصل صورت‌گرفته درباره مناطق قبایلی بین سال‌های ۱۸۳۰-۱۹۴۰م مورد توجه جدی قرار گرفت.

شرق‌شناسان نظامی در ابتدا به دو مؤلفه اصلی توجه کردند:

نخست: اختلافات ریشه‌دار و نزاع‌های تاریخی میان عرب‌ها و بربرها؛

دوم: ضرورت حفظ و ترویج ویژگی‌های فرهنگی بربرها (اعم از زبان و آداب و

رسوم).

بدین ترتیب، برنامه‌ریزی‌ها براساس این دو مؤلفه تدوین شد. اقدامات پیشین شرق-شناسان به گسترش و تقویت آموزش زبان قبایلی و تغییر خط‌الرسم آن به حروف لاتین و

۹۷. ساره خزری، ۸۳.

۹۸. خلیفه حسن، ۶۳.

۹۹. زوزو، ۷۵۹/۱.

پیدایش اندیشه بربری‌گرایی کمک شایانی کرد. در این راستا نیز مدارسی راه‌اندازی شد که کودکان بربری در سیستمی متمایز از سیستم سایر مناطق الجزایر تحصیل کنند. به تدریج گسترش و تثبیت سیاست‌های فرهنگی-آموزشی استعمار فرانسه در مناطق قبایلی نسبت به دیگر مناطق الجزایر شدت بیشتری یافت. شرق‌شناسان پیوسته تبلیغ می‌کردند که بربرها از نژاد اروپایی هستند و با فرانسویان هم‌نژاد هستند. تحلیل آن‌ها این بود که بربرها قابلیت بیشتری برای الحاق و ترکیب با فرانسه را دارند. از منظر آن‌ها، بربرها نسبت به دیگر ساکنان الجزایر، اطلاعات کمتری نسبت به دین، تاریخ اسلام و تاریخ الجزایر دارند و به همین میزان دلبستگی آن‌ها نیز کمتر است.^{۱۰۰} در این میان مدرسه فرانسوی نقش و تأثیر زیادی بر ارائه و اجرای سیاست‌های فرهنگی در خصوص بربرها داشتند.^{۱۰۱}

استعمار فرانسه پس از جنگ جهانی دوم به نخبگان بربری کمک کرد، تا از انزوا خارج شوند و کوشیدند با کمک فرانسه جایگاه خویش را در الجزایر تثبیت نمایند. بدین ترتیب پس از این جنگ و در بین سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۴۸م، حس بربری‌گرایی به یک ماهیت سیاسی تبدیل شد. پس از کشتار ۸ می ۱۹۴۸م و سرکوب‌های پی‌درپی در مناطق مختلف الجزایر، از جمله مناطق قبایلی، تعدادی از جوانان به حزب خلق الجزایر پیوستند. این حزب متشکل از مجموعه‌ای از مهاجرین قبایلی به فرانسه بود که کار خود را از طریق طرحی فشرده و مبتنی بر جذب دانش‌آموزان قبایلی در دبیرستان‌ها، دانشجویان دانشگاه الجزایر و مرکز تربیت معلم بوزیعه آغاز کردند. در گام بعدی هر کس را که تمایلاتی به بربری‌گرایی داشت، جذب کردند. این جریان در زمره نخبگان الجزایری با خط‌مشی کاملاً فرانسوی بودند که از ۱۹۴۷م و در قالب یک حرکت سری کار خود را شروع کردند. منشور این جریان، بازتاب اندیشه‌ها و تزه‌های نظریه‌پردازان کمونیست فرانسه بود که مبتنی بر اندیشه‌های موریس

۱۰۰. ابن خلد، ۲۳۸-۲۳۹.

۱۰۱. عمری، ۲۰۵-۲۰۶.

تورز^{۱۰۲} دبیر کل وقت حزب کمونیست فرانسه بود. از منظر آن‌ها ملت الجزایر همچنان فرآیند تکوینی خویش را طی می‌کند و در ادوار مختلف تاریخی، اقوام مختلفی به خود دیده‌است و در حال حاضر در مدار تمدن و فرهنگ فرانسه قرار گرفته‌است. جریان بربری-گرای از سوی حزب کونیست الجزایر و فرانسه به شدت حمایت می‌شد.^{۱۰۳} با بازگشت نسل دوم افراد تحصیل کرده در فرانسه به الجزایر، در سال ۱۹۴۹م سیاست‌های این جریان به اوج خود رسید.^{۱۰۴} سرانجام به دلیل افراط‌گرایی، گرایش به کمونیست و فراهوان جمعیت علمای مسلمان برای مقابله با آن، این توطئه پس از یک سال و نیم ناکام ماند.^{۱۰۵}

۲. زمینه‌های آموزشی

شرق‌شناسان از طریق سیاست‌های آموزشی اهداف مختلفی را دنبال می‌کردند؛ از جمله: زیر سؤال بردن رسالت پیامبر اکرم(ص)، رد جنبه قدسی بودن قرآن، انکار دین اسلام به-عنوان یک دین از جانب پروردگار همچون مسیحیت و تشکیک در صحت احادیث نبوی(ص).^{۱۰۶} در همین راستا، شرق‌شناسان مجموعه‌ای به نام «مدرسه فرانسوی» تأسیس کردند که مسئولیت برنامه‌ریزی، اداره، نظارت و دیگر اقدامات آموزشی را در الجزایر بر عهده داشت؛ این مدرسه رکن اصلی تصمیم‌گیری در عرصه سیاست آموزشی در الجزایر به شمار می‌رفت. در این میان «مدرسه عالی ادبیات» از جمله مجموعه‌های تابعه مدرسه فرانسوی بود که بدان «مدرسه شرق‌شناسی فرانسوی الجزایر» نیز گفته می‌شد.^{۱۰۷} در ۲۴ دسامبر ۱۹۰۴م استعمار فرانسه بیانیه‌ای رسمی صادر کرد؛ مبنی بر: ممنوعیت افتتاح مدرسه

۱۰۳. بوعزیز، ۴۶.

۱۰۴. سعیدونی، ۲۰۵.

۱۰۵. همو، ۲۱۰.

۱۰۶. نمله، ۲۸۰.

۱۰۷. لونسی، ۱۹۵؛ سعدالله، تاریخ الجزائر الثقافي، ۲۶/۶.

حتی مکتب‌خانه بدون اخذ مجوز، ممنوعیت تدریس تاریخ و جغرافیای الجزایر و بسنده کردن صرف به قرائت قرآن بدون بررسی و توجه به آیات جهاد.^{۱۰۸} از سوی دیگر شرق-شناسان، ایده برنامه‌ریزی و آموزش دروس دینی اسلامی را مطرح کردند. هدف آن‌ها مبارزه با زبان عربی و دین اسلام به شکل معکوس بود؛ بدان معنا که به جای مبارزه قهری و همراه با واکنش‌های شدید از سوی مردم و علمای الجزایر، به تحریف و دگردیسی باورها باید پرداخت. بنابراین، این مدارس در سه نقطه مرکزی و مهم کشور یعنی پایتخت (الجزیره)، شمال شرقی (قسنطینه) و غرب الجزایر (تلمسان) راه‌اندازی شد.

به‌طور خلاصه اهداف خاورشناسان از ورود به سیاست‌های آموزشی در الجزایر عبارتند از: برجسته‌سازی فرهنگ، قدرت، تاریخ و... فرانسه و حکومت رومی‌ها در الجزایر و نادیده گرفتن تاریخ اسلام و الجزایر و تحقیر و تحریف فتوحات اسلامی در آن‌جا، کادرسازی از الجزایری‌ها و توسعه میزان تأثیرگذاری از نظر فرهنگی و تمدنی بر الجزایری‌ها به‌ویژه از طریق زبان، فرهنگ و تمدن فرانسوی بود.

۳. زمینه‌های نظامی

در این زمینه می‌توان از گروه موسوم به «مترجمان ارتش آفریقایی فرانسه» در الجزایر طی بازه زمانی ۱۸۳۰-۱۸۷۰م اشاره کرد که در تحقیق، آشنایی و پیوند استعمارگران با الجزایر نقش بسزایی ایفا کردند. این گروه توانستند یک مجموعه ابتدایی و مدون در زمینه شناخت الجزایر تهیه نمایند.^{۱۰۹} مجموعه مترجمان الجزایری در ارتش فرانسه تا سال ۱۸۵۴م مورد توجه رسمی استعمار فرانسه نبود و به تدریج به گزینش و جذب آن‌ها پرداختند. این گروه اعم از نظامی‌های فرانسوی یا الجزایری‌هایی که به خدمت ارتش فرانسه در آمده بودند، کوشیدند آثار تحقیقاتی و مطالعاتی متعددی، اعم از تحقیق نسخه‌های خطی و اسناد و یا

۱۰۸. میسوم، ۶۸.

۱۰۹. هلالی، ۱۸۵.

انتشار مقالات در مجله‌های فرانسوی بپردازند. آن‌ها انجمن‌های علمی و دو مجله مهم *المجله الافریقیه* و *المجله الآسیویه* را منتشر کردند. توجه ویژه گروه مترجمان ارتش به‌طور خاص به تاریخ الجزایر و به‌طور کلی مغرب عربی بود.^{۱۱۰} از سوی دیگر، مدرسه زبان‌های شرقی فرانسه، تعداد زیادی از مترجمان را پرورش داد که به خدمت ارتش درآمدند. در عرصه ترجمه، گروه دیگری از مترجمان الجزایری‌تبار از جمله احمد خاطری نیز وجود داشتند که به خدمت ارتش فرانسه درآمدند؛ خاطری مترجم زبان عربی و بربری و از نیروهای ارتش فرانسه بود.^{۱۱۱}

۴. زمینه‌های دینی

در این جستار دو زمینه دینی یعنی گسترش مسیحیت و حج را بررسی خواهیم کرد. **گسترش مسیحیت:** هنگامی که استعمار فرانسه وارد الجزایر شد، تعدادی از کشیشان نیز با آن‌ها همراهی می‌کردند. از منظر برخی از محققان، سیاست گسترش مسیحیت، پیش از حمله به الجزایر طراحی شده بود. هنگامی که ژنرال کنت دی بورمن^{۱۱۲} به الجزایر حمله کرد، شانزده کشیش برجسته از جمله بطریق بیت المقدس، بطریق اورشلیم و پدر زکار سوری، همراه وی بودند. دی بورمن پس از ورود پیروزمندانه به شهر الجزیره، به صراحت به کشیشان گفت: «شما در این کارزار با ما همراه شدید که درهای مسیحیت را در آفریقا بگشاید و امیدواریم به‌زودی تمدنی را که پیش‌تر در این مناطق خاموش شده بود، بگسترانیم».^{۱۱۳} بدین ترتیب، همه نیروها اعم از شرق‌شناسان و کشیشان در زمینه گسترش مسیحیت در الجزایر متحد شدند. شرق‌شناسان در این میان خدمت دوسویه انجام می-

۱۱۰. هیلایی، ۱۸۱-۱۸۲.

۱۱۱. شایب الدور، ۴۷.

112. Count de de Bourmont

۱۱۳. شایب الدور، ۶۷.

دادند؛ از سویی در خدمت نظامیان و سیاستمداران استعمار فرانسه و از سوی دیگر در خدمت اهداف کیشیشان بودند؛ زیرا کیشیشان نیازمند اطلاعات اساسی پیرامون زبان، تاریخ و فرهنگ الجزایر بودند. استخراج شبهات مختلف در زمینه دین اسلام، قرآن و... توسط شرق‌شناسان، یک گذرگاه راهبردی برای کیشیشان به‌شمار می‌رفت.^{۱۱۴} مطالعات شرق-شناسان فرانسوی در آن دوره بر این تصویر متمرکز گردید که فتح الجزایر توسط مسلمانان کاملاً با زور و اجبار و تحمیل دین اسلام صورت گرفته‌است و آن‌ها ارتباط الجزایر را با تمدن غرب و کلیسا را قطع کردند. بدین ترتیب سیر شکوه تمدن رومی در آن‌جا متوقف گردید.^{۱۱۵} از مهم‌ترین ابزارهای شرق‌شناسان که در خدمت اهداف کلیسا قرار گرفت، مدرسه فرانسوی بود. استراتژی دولت فرانسه، به‌کارگیری مدرسه فرانسوی به‌عنوان یک ابزار برای استیلای فرهنگی در جامعه الجزایر بود. این مدرسه نقش مهمی در روند تبدیل الجزایر به قطعه‌ای از فرانسه ایفا کرد.^{۱۱۶} اگر به‌دقت بررسی شود در خواهیم یافت که ساخت این مدرسه در کنار کلیسا و ارائه برنامه‌های مشترک، بیانگر این است که مدرسه ابزاری در دست کلیسا و هدف غایی آن‌ها، مسیحی‌کردن الجزایری‌ها بود که از فرزندان آن یعنی کودکان و نوجوانان استفاده می‌کردند. مدرسه فرانسوی پیش از آن‌که ماموریت و عملکرد خود را آغاز کند، به حذف مدارس الجزایری اعم از مدارس رسمی، مکتب‌خانه‌های قدیمی و زاویه‌ها پرداختند. ساختمان‌ها و منابع مالی همچون موقوفات این مدارس را مصادره کردند.

حج: شرق‌شناسان پس از تثبیت اقتدار استعمار فرانسه در دوره دوم (۱۸۷۹-۱۹۳۰م)، به مطالعه و برنامه‌ریزی درباره سفرهای زیارتی حج پرداختند. از منظر آن‌ها، سفر حج فراتر از برخی عبادت‌های فردی و اجتماعی است؛ زیرا الجزایری‌ها از این طریق با جهان اسلام ارتباط گسترده‌تری برقرار می‌کردند؛ همچنین نقش ویژه‌ای در ساماندهی جنبش‌های آزادی-

۱۱۴. نمله، ۱۶۴-۱۶۵.

۱۱۵. بوعبدلی، ۱۲۶.

۱۱۶. هلال، ۱۳۷.

بخش آن‌ها دارد. مهم‌ترین دلیل شرق‌شناسان، نگرانی از اقدامات تبلیغی برخی از طریقت‌های صوفیانه همچون سنوسیه و رحمانیه بود. بنابراین، استعمار فرانسه از ابتدای دهه هشتاد قرن نوزدهم میلادی به‌طور پیوسته و دقیق، کاروان‌های زیارتی حج را از مرحله شروع تا پایان سفر کنترل می‌کردند.^{۱۱۷} از سوی دیگر، شرق‌شناسان در پایان قرن ۱۹م از طریق روزنامه‌های اقماری خویش، کمپین رسانه‌ای انباشته‌ای از تردید علیه سفر حج به‌راه انداختند. سرانجام دولت فرانسه به بهانه گسترش برخی از بیماری‌ها و تنش در روابط بین‌الملل، سفر حج را تعطیل اعلام کرد؛ اما در میانه سال‌های ۱۸۸۴ تا ۱۸۹۱م به ۱۵۰۰ الجزایری، اجازه رفتن به سفر حج را دادند. نکته جالب توجه این است که این افراد باید فهرست دارایی خویش را اعلام می‌کردند تا مشخص شود که استطاعت مالی دارند یا خیر؛ اما در واقع به‌دنبال رصد و شناسایی افراد متمول دیندار بودند.^{۱۱۸}

نتیجه

شرق‌شناسی یک جنبش بزرگ فکری-فرهنگی است که به مطالعه فرهنگی، علمی شرق به‌ویژه مسلمانان پرداخت. در عین حال مهم‌ترین ابزار استعمارگران غربی به‌شمار می‌رفت. در میان مکاتب شرق‌شناسی، شرق‌شناسی فرانسوی پیشگام است. در این میان الجزایر یکی از مهم‌ترین تجارب شرق‌شناسی فرانسوی به‌ویژه پس از اشغال آن توسط فرانسه در سال ۱۸۳۰م است. شرق‌شناسان پیش از اشغال الجزایر، مطالعات مقدماتی و آماده‌سازی نظامیان و سیاست‌مداران را آغاز کردند. از منظر آن‌ها، الجزایر مرکزی راهبردی و دروازه ورودی سه عرصه یعنی آفریقای مرکزی، منطقه مغرب عربی (مغرب، موریتانی و صحرای غربی) و حتی شرق الجزایر (تونس، لیبی و مصر) است. شرق‌شناسان همه تلاش‌های مادی و معنوی خویش را در خدمت اهداف توسعه‌طلبانه استعماری فرانسه به‌کار بردند. اشغال

۱۱۷. قبایلی، ۲۳-۲۴.

۱۱۸. شرفی، ۲۲-۲۳.

طولانی مدت _ ۱۳۲ سال _ الجزایر و حتی دست اندازی به کشورهای همجوار، با تدبیر شرق شناسان صورت می گرفت. سه هدف نهایی شرق شناسان در الجزایر عبارتند از: مسیحی کردن الجزایر، انضمام الجزایر به فرانسه به عنوان یک استان و بخش جدایی ناپذیر فرانسه در آن سوی مدیترانه و تبدیل الجزایر به یک نقطه ثقل و راهبردی برای دست اندازی به دیگر مناطق آفریقا. شرق شناسان فرانسوی در سه مرحله، موفقیت های زیادی را نصیب دولت استعماری فرانسه کردند: مرحله نخست (۱۸۳۰-۱۸۷۹م) مرحله مطالعه همه مناطق از منظر جغرافیایی، تاریخی، مردم شناسی و ...، بیشتر شرق شناسان این دوره، نظامی بودند. مرحله دوم (۱۸۷۹-۱۹۳۰م) پس از تثبیت موقعیت اشغال گران در الجزایر، شرق شناسان به اقدامات فرهنگی روی آوردند. موفقیت های روزافزون در این دوره چشمگیر است. مرحله سوم (۱۹۳۰-۱۹۶۲م) پس از اجرای برنامه های صدمین سالگرد اشغال الجزایر، نقش شرق شناسان کم رنگ شد و در نوامبر ۱۹۵۴م آغاز دوره مدیریتی نظامیان بر الجزایر قلمداد می شود. پس از جنگ جهانی دوم و وخاومت اوضاع اجتماعی-سیاسی به کم رنگ شدن نقش شرق شناسان و ایجاد حرکت های فرهنگی و سپس جنبش های آزادی-خواهانه و سرانجام استقلال الجزایر منجر شد.

کتابشناسی

- ابن ساعو، محمد، «قراءات فی کتاب الجزائر و معركة الثلوث المدمر التنصير الاستشراق و الاستعمار لمختار بن قدور»، مجله العلوم الانسانیة و الاجتماعیة، جامعہ محمدبوضیاف، المسیلہ، جوان، ع ۱۲، ۲۰۱۷م.
- ابن یحی، برکان، «الاستشراق الفرنسی و نشاط فی الجزائر الجانب الاجتماعی انموذجا»، الدراسات و البحوث، ع ۱۷، ۲۰۱۶م.
- ابن ابراهیم، الطیب، الاستشراق الفرنسی و تعدد مهامه خاصه فی الجزائر، الجزائر، رحاب، ۲۰۰۱م.
- ابن خده، بن یوسف، جذور اول نوفمبر ۱۹۵۴، ترجمه: مسعود حاج مسعود، الجزائر، دارالشاطیبه، ۲۰۱۲م.

بوعبدلی، المهدي، «موقف المورخين الاجانب من التاريخ الجزائر»، مجله الاصله، س ۳، ع ۱۴-۱۵، ۱۹۷۳ م.

جيلالى، عبدالرحمن، «من بواعث الاستشراق واهداف المستشرقين»، الجزائر، مجله الاصله، ع ۱۴-۱، ۱۹۷۳ م.

خشن، وليد كاظم، المدرسه الاستشراقية الفرنسية (دراسة في اسلوبها و منهجها)، العراق، الجامعة اتحاد المؤرخين العرب، ۲۰۱۱ م.

خليفه حسن، محمد، آثار الفكر الاستشراقي في المجتمعات الإسلامية، القاهرة، عين للدراسات و البحوث الإنسانية والاجتماعی، ۱۹۹۸ م.

زقزوق، محمد حمدی، الاستشراق و الخلقه الفكرية للصراع الحضاري، القاهرة، دارالمعارف، ۱۴۰۴ م.
زوزو، عبدالحميد، الفكر السياسي للحركة الوطنية الجزائرية و الثورة التحريرية، الجزائر، دارهومه، ۲۰۱۲ م.

درويش، احمد، الاستشراق الفرنسي و الادب العربي، مصر، لهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۷ م.
سعدالله، ابوالقاسم، تاريخ الجزائر الثقافي، جلد های ۲-۶-۸، بيروت، دارالمغرب الاسلامی، ۱۹۹۸ م.
همو، ابحاث و آراء في تاريخ الجزائر، ج ۱، الجزائر، دائرة البصائر، ۲۰۰۷ م.

سعيدونى، ناصرالدين، الجزائر منطلقات و آفاق مقاربات للواقع الجزائري من خلال قضايا و مفاهيم تاريخيه، بيروت، دارالمغرب الاسلامی، ۲۰۰۰ م.

سنو، عبدالرووف، المعالم الرئيسية في الاستشراق المعاصر، بيروت، جامعه بيروت-جمعيه المقاصد الخيرية الاسلاميه، ۱۹۹۷ م.

شايب الدور، امحمد، الاستشراق الفرنسي و التراث الشعبي في الجزائر، الجزائر، جامعه وهران، ۲۰۱۰ م.
شرفى، مونيژه-شليغومه، اسماء، المساله الدينيه عند الحركة الوطنية الجزائرية (۱۹۰۰-۱۹۳۹)، الجزائر، جامعه العربي بن مهيدى-ام البواقي، ۲۰۲۰ م.

عقيله، شوارفيه، الاستشراق الفرنسي في الجزائر ابان الاستعمار، الجزائر، جامعه عبدالحميد بن باديس، ۲۰۱۸ م.

عبادى، احمد مختار، في تاريخ المغرب الاسلامى و الاندلس، بيروت، دارالنهضة، ۱۹۷۸ م.
عمري، مومن، الحركة الثورية في الجزائر من نجم شمال افريقيا الى جبهه التحرير الوطنى (۱۹۲۶-
۱۹۵۴)، قسنطينه، دارالطليعه، ۲۰۰۳ م.

علوان الموسوى، سلمى حسين، التطور التاريخى الاستشراق الفرنسي في قرن العشرين، العراق، جامعه

الكوفه، ٢٠٠٨ م.

العقيقى، نجيب، المستشرقون، جلد ٣، القاهره، دارالمعارف، ١٩٦٤م.

غروى، محمد الطاهر، الغزو الثقافى للعالم الاسلامى، الجزائر، دارالهدى، ١٩٩٨م.

غزالى، محمد، ظلام من الغرب، مصر، نهضة مصر للطباعة والنشر، ١٩٩٨م.

قبائلى، هواى، مساله الحج في السياسه الاستعماريه الفرنسيه بالجزائر -١٨٩٤-١٩٦٢، الجزائر، جامعه

وهران، ٢٠١٤م.

قتيبه، عمر، المشكلات الثقافيه في الجزائر، الاردن، داراسامه، ٢٠٠٣م.

لونيسى، ابراهيم، بحوث في التاريخ الاجتماعى و الثقافى للجزائر ابان الاحتلال الفرنسى، الجزائر،

دارهومه، ٢٠١٣م.

معريش، محمد العربى، الاستشراق الفرنسى في المغرب و المشرق من خلال المجله الآسيويه ١٨٢٢-

١٨٧٢، تونس، دارالمغرب الاسلامى، ٢٠٠٩م.

ميسوم، بالقاسم، «سياسه فرنسا الاقصاديه و الاجتماعيه و الثقافيه في الجزائر خلال فتره ١٩٣٠-

١٩٥٤»، مجله علوم الانسان و المجتمع، ع ٦، جامعه محمد خضير، بسكره، ٢٠١٣م.

نمله، على ابراهيم محمد، نقد الفكر الاستشراقى حول الاسلام و القرآن الكريم، الرياض، شبكه الالوكه،

٢٠١٠م.

هلال، عمار، ابحاث و دراسات في تاريخ الجزائر المعاصره (١٨٣٠-١٩٦٢)، الجزائر، ديوان المطبوعات

الجامعيه، ١٩٩٥م.

يحياوى، رزيقه، الاستشراق الفرنسى و جهوده في دراسه و نشر التراث الجزائرى، الجزائر، جامعه باقنه،

٢٠١٥م.

يوسف جغلولى-جمال تالى، «الاستشراق في الجزائر بين الأطروحات و الوسائل-دراسه نقديه لبعض

الأعمال الاستشراقية الفرنسيه-»، حقائق للدراسات النفسيه و الاجتماعيه، ع ٦٤، بى تا.